

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشمان

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

شماره ۲۶ شهریور ماه ۱۳۳۴

تک شماره ۴ ریال

پس از توقیف

نامۀ کوهستان برای یکساله توقیف شد و مدت چهار هفته تمام ما با باغوانه‌تکان آرزینده قطع کردیم. نام های متعدد خواننده‌گان که از توقیف روزنامه اظهار تائیر و غرت کرده بودند ما را با ایدامین خدمت اجتناهی خود یعنی کوشش دوشتر نامۀ کوهستان بیشتر تشویق نمود و ما را بآئینه امید واد تر ساخت.

توقیف توقیف روزنامه در اولدک زمانی بگردستان رسید. اگر از بیم احساسات مردم بود همان حالی که سابقا با اقتضای معالفت با نامۀ کوهستان شام ها میدادند و پادۀ هاینوشیدۀ از درو پادۀ نوبت توقیف آن قطعاً چشمپا میگردند و قضایای را که سابقا در تارونکی میکردند بنسبت توقیف و کوهستان در روز روشن و ملاه علم میسوزند.

برستی توامست باید پیش ببرد مکن است چند صباحی حقیه را بوشانید و ظاهراً قلیل مدتی مگر و توایر برواستی و دوستی و شیات برسد مت غلبه کند ولی قطعاً قابل دوام نخواهد بود. بیشرقت برن آسای توایر ونا درستی شکست برن آساتر آرا در بر خواهد داشت.

ما باطینان کامل بس نۀ کار و حقیقت و مبین برستی خود دوبارزه مند سر که بر طبله ناپاکان بر طبله آتاپانگه مصالح مملکت را نۀ نای تا مین ظهرفای غموسی خود مینیانۀ آغاز کردیم. لطفا بیرو زمتن خواهیم شد.

ما از نظرات سرسری بی اطلاعات و بیآئینات شوم نفرضان باکی نداریم لیرا برای تمام نوشتهات خود مدارک قطع دادیم و نوبت میدهم آتاپانگه که در منطقه کردستان بر خلاف مصالح سنگت پیر اسم ووسی خرابکارها کرده باشند از تنب درمان نخواهیم گذاشت.

ما مدتی راجع بر صراحتۀ لشکر کردستان سرتیب هوشته الفشار بالمن های مختلف مطالبی نوشتیم نوشته های ما را بنسبتین مختلف تفسیر کردند ما را حامی فارنگران خواندند نوشته های ما را موجب تجاسر شمار نامیدند و شاید بسیار چیزهای دیگر هم گفته نوشته باشند که ما نۀ اطلاع نداریم ولی ما چون جزو طیفه ملی وایران دوستی خود جز غمخت و اذی آب و ناک خود نظری نداشتیم نتوانستیم برای هیچیک از این نسبتها دلالتی افامه کند سرف ادمه بود. ولی ما برای تمام مطالبی که بنسبتین دلالتی داشتیم و نوشته های ما را مخصوصاً ستاد ارتش که از جریان اوضاع مطلع بود خوب میفهمید و میدانست که چنین بنامست و شاید همان جبارت متضات یا مصالح عالیۀ کشور که بهی چیز اطلاق میشود ایجاد میکند که بنده بی ما جباری داده نشود و شاید همان متضات هم ایجاد کرد که روزنامه سابقا که توقیف خود.

ولی چیزی که مسلم است آن است که «مصالح عالیۀ کشور» ایجاد کرده که سرتیب هوشته الفشار از کردستان احضار شود مصالح عالیۀ ای که ما صاحبان لرباد میزیمم بلاشرف امروز جامه صل بخود پوشید.

ما از این اقدام ستاد ارتش اگر چه چندماه دیر انجام شد متشکریم و اطمینان داریم اگر ما مورین با نده بر وطن برست در مناطق کرد نین ایجاد و طبله کند آب از آب تکلن نخواهد خورد و کوچکترین صدای ناموسی از این مناطق بکش نخواهد رسید.

اگر چه برای ننان میوه که ستاد ارتش بی تشخیص کامل و بدایت خدمت هوشته الفشار برای منطقه کردستان بنسبتین او میدارد چستولی اگر کوچکترین تردیدی بانی باشد ما منضمیم در بدایت کسببونی مرکب از ما مورین و علیتبه و یا کدام نلگری وسره یمنه کی که در این چند ماهه بواسطه کردستان بکاو برده شده درون و آشکار ساز و بنات نایم تمام آن چیزهای که تا بدل نوشته ایم بک نوه کوچکی یش نبوده است.

نظر باشد.
دوستو شماره های ۲۴ و ۲۵ در بدست ضبط گردید و باین کیفیت اولین ایدامات روسی و هلنی فرماندهاری نظامی کردستان بر طبله روزنامه کوهستان آغاز گردید. ایدامات معنیانه از چندی پیش شاید از تاریخ انتشار اولین شماره نامۀ کوهستان بر طبله ما آغاز شده بود لیرا ما خلتی میدانستیم و این حسابی از منوشتیم و جدا جلو گیری میکردیم از اینکه ب مردم فشار بیاید، روحیه مردم را شست و فرسوده کنند و آن را از اولدت مابرس گردانند. اشتباهاتی که رخ میدادند تا مگر میدادیم سوه استفاده هارا شرح میدادیم. اولیای دولت را بروس مسائل واقف میکردادیم و از ایدامه بازارا هرج و مرج و تاراج و بنسب گری جلو گیری نمودیم.

بدین است این اقدام ما بسرای کسای که مناضفان دیگر باشکال و وسعتی تا مین میشه بس ناگوار بود، خود سر بیا و چنانچه که تحت عنوان متضات و خنابن سانشکی دیگر اجرا میشه. بیبایست متنوع گردید.

مردم و طرفه بیدار و حدی امید واز شده بودند و جراتی پیدا کرده بودند که لا رضایتی های خود، ظلم و جور و را که با تان میشه اظهار نمایند بنا بر این بازار رندان تا مغمی کساده بود.

ما مؤذمه بدین داریم که نامۀ کوهستان موامع بول خون و شیدان و برهم زتنه کتف متضات و نفهران بود کوس روسی را پابوش سازان ویرونه سازان زده میشه. و رفه و رفه نظر اصلاحی دودردم ایجاد میگردد.

توقیف آئی آزاد بود، نامیده ما دوستنج موجب احتراش دادستان کردستان شد. لشتر ناچار قرار باز داشت موقت مشالیرا صادر کرد.

ما مورین شهر بانی مخصوصا پاسو- لایتنالی برای خوشبختی شادول، زداشت در باقو شدت رفتار و از ملافتن حتی - فردیکاشی متش نمود دو حالیکه دستور داده شده بود مشالیرا هم در محیط شهر بانی تحت

مردم از ما مورین خوب اظهار رضایت و امتنان می نمایند

و بهمان میزان هم از ما مورین بد و خوی خود را منتظرند

از میان تلگرافهای متمدن که در ایندهست یکماهه توفیق روزنامه رسیده بخواهیم تا تکلیف این نظر خوانندگان را برسانیم که یکی با ضایع هدای از متمدنین نیز دولتگرایی دیگر یکی باضایع جناب سید زینب و دیگری باضایع جناب شیخ عبدالقادر جنته است که هر دو آمایان از متمدن منطقه سبز طرف اشتاد توجه و علاقه مردم بوده و در آن زمان و متمدن زیاد دارند.

ما با درج این تلگرافها که انصاف است و به نفع مردم معارضه است و به نفع متمدن است و از جانب خود اظهار داریم بیادقت و معطله لازم معاد تلگرافهای فون را مورد توجه قرار ندهد.

تلگراف متمدنین

ستاد ارتش کبیره عینامه که هوستان در فرخده جاری تلگرافی از حسن طیب و بنال مطرفت و مراقبت امور افراد این منطقه از اقامات حضرت سرهنگ صابری فرماید که ۱۱ سفر کاذب داشته است اینان در این حوزه و منطقه پانک ایمنی و نظر میماند در احیای خرابی مملکت و تأمین امانت سبز و پناه و شاه پرستی و مین دوستی در هر مورد نظر بی لایحی خود قرار داده تقدیم عموم طبقات علماء و متمدنین و وهابا از این حسن انتخاب بدعا گوئی و بقاء ذات اقدس مولانا مشغول زیرا در آن وقت غرض و نجاج و بیانات شوالی فرماید نامرشد عموم طبقات مردم را بر اساس ذات اقدس هابونی شامشاهی اولیاد امور امیدوار بوده و انتظار داشتیم که ستاد ارتش در مقابل زحمت و سرپرستی ایشان باین تیب و منطقه ترقی مقام و پاداش تیکی مرحمت فرماید که سایر مأمورین نیز ناسی و پیش از اعلان کبری الیه بنایند اینک با یکدیگر تانس و سرگزاری عرض میشود که فرمانده محبوب ما که خیالش جز راحتی و آسایش عموم مردم این حوزه نظر دیگری نداشته برگر حرکت و طوق اطلاعات و امانه از سرپرستی این منطقه استفا داده است و هم از بواسط ستاد ارتش که شخصی با شرف و مین دوست میباشد استماع فرمانده متمدن را را با عروت داده و بر اساس خود امیدوار فرمانده عینا و متمدنین و اهالی سبز معاد امین خادمی معده خادمی علی حسین معده سید حسنی حسین خدیج تلوتی بهیام الهین حسین می الهین معده حسین امام زاده مدرس امام زاده

هیچوجه علمی و ادبی و تاریخی

اولین شماره مجله علمی و ادبی و تاریخی ماد در اول شهریور ماه انتشار یافت. موسس و نویسنده این مجله آقای آقا محمد کیوان پور مکرری با ذوق سرشار خود خدمت قابل توجهی شروع و امیدواریم با قدرت و محسن استقبال از دانشمندان در این کار نیک توفیق یابد. برای اینکه شرانندگان از نظر موسس در این نشان این مجله اطلاع حاصل نمایند نسبتی از مقدمه شماره اول ماد را ذیل درج مینماییم:

«سرزمین کشته و حاصلخیز ماد از سه هزار سال پیش از زادهای با کهنترین فرزندان آری و طایفه ماد از قدیمت تمدن

و سلطنت و ترقی ترین خانواده های آریا بوده است. همین وتبع دو آثار و فرهنگ این سرزمین از زعمای قدیم الا یوسا خدا یعنی ایزد و یکی های تاریخ و روشن و بسیاری از تزییدگیهای مورخ نمایان در آثار بسیار معنوس اینک بت در عادت و رسوم و طوایف که در این سرزمینها مسکن دارند و قدیمی ترین مباحث و معقول فرهنگ باستانی ایران و مطالعه آن لذت بخشترین و دلکش ترین فصلنامه ها بشمار میروند.

ما میگوئیم در این مجله دانشمندان هارا آنجا نیک است (آنجا نیک است) بخوانند و بیازند (بیازند) دیگران بنماییم و نیز از آخرین احوال و تحولات دانشمندان علم تاریخ و عده الله خوانندگان را بیاطلاع نماند

تلگراف جناب سید زینب

ستاد ارتش کبیره عینا نامه کوهستان کبیره عینا آقای صدر قاضی ندانیده جناب از حسن نیت با کمالی نظر میماند حضرت سرهنگ صابری فرماید که سرفرام و در دستار از اشیاء فرموده نظر در ویضایع بیچاق و روبا عرض استماع دارم موی الیه را مقام فرماندهی سابق اجرام فرماید باعت اطمینان موم با دهتر خواهد شد خادم تقربا سید زینب

تلگراف جناب شیخ عبدالقادر جنت دره

ستاد ارتش کبیره عینا کوهستان کبیره عینا کوه کبیره عینا مقامهای ابراز وجود نکرده نظر با یکجانب سرهنگ صابری مایهت بدوا و صاحب محترمانه عموم طبقات را بر اساس اولیاد اعلیحضرت هابویان شامشاهی اروا سخا نده اولیاد امور امیدوار نموده از ریاست معظم ستاد ارتش استماع میروند سرهنگ نامرشد را برای اصلاح عامه عودت فرمایند. عبدالقادر حسینی جنتدره

ظاهر و پیشتر نامان بود در قریه که تعالی شک بدست قاسو کند بیک دیگری تحویل دانن دولتر حسنی بنام حسن زوییر و شمس الدین لودن از نوکر های سلیمان یک (بزرگان زعمای ترک) این دولتر راه را گم کرده بتول بدری بیگ وارد شد بود در مشار الیه بحکومت آباغا اطلاع داده بود که سفر هم چند فر [انداز فرستاده فرمایند] این دو نفر در اطالی دو متول بدری یک در خواب بوده اند آنها را گرفته بتدوی زده بودند که حسن زوییر در راه بی بتلیس و فرخان در زیر شلان و با درامان جان بریده ولی شمس الدین که قوی بود نبرده پس از آنکه سه سال در ازمسب زدهای بود فرار کرده خود را با آوارات رسانیده در دست فرزند بیک خدمت ملی خود را ادامه داد.

وقایع آرات

۱۲۰
در اندام قیام هیج سید حاجی موسی یک و خالد یک جبرانی در زندان بتلیس توفیق شد بتولی حسین باها همچنان در ایل خود پس میرد آتش اشتغال با قیام هشتر سیران و زرکان و حسان بقصد ایل جیدران رسیده از حسین باها هم وفای عهد خود میمنت حقیق بیلیون را خواست برود.

مشار الیه با وجود پول زیاد ثروت سرهاو خوشبخت استکانی های تفهول بیسته لیزهای آن شده بپدر اینک منتظر جواب اسپیل آقا حسین کز است ایام و گذرا رفته بود تا شکست و گرفتاری شیخ محمد پیش آمده پس از این شکست همه ای از جنگجویان جبران و زرکان و حسان که بتصرف سره ایران متبسی شفته پس خود از متاع ایل حیدران مصادف با جلو گیری حسین باها گردیدند. حسین باها مدت هفت روز را رابر مجاهدین بست بلاخره پس از جنگهای مجاهدین راه را بازو خود را بسرد ایران رسانیدند. در اینجا بود که حکایت حسین باها با قوی ترک آشکار گردید. ولی مردان با شجاعت و ملت خواه ایل حیدران در ضمن همین زهو خود را مجاهدین را یاری نموده وسایل استعلاص آن را فراهم میآوردند.

چیزی که باعث بدنامی این طایفه بود یکی کشتن مو و فرسنی

ولی افراد نسیب دیگر ایل حیدران با اهل ایل بهایی که بنهادد راه ملیت خود نشان دادند و با خونناهی که تار آزادی کردند این دو حادثه تنگین را خسته.

کروم حسین باها با حرکت شوهن با حرکت میرون هتیا طلبه حیدران بلکه ایل بهایی بزرگ سهران - جلالی سیکان و طوایف دیگر کرد را هم بر جای خود نشانده بود.

اصحاب حسین باها بتزاد کرده و با این نام کرد در برابرش مستلزم خوت بود و خشنگلداری بتول تیو است اروا از خوت بیعت همه از این جهت پس از طرف حیدران هاتفه شیخ سید در وسط زمستان متار الیه از طرف دولت با احوال شده با خانواده و فرزندانش با وضع افشاح آمیزی بنسقه فری ترکیه تپید گردید.

میدان هوس رانی

در محیط آرام شهرهای کردستان از چندین پیش تمام نواحی پائینه شده‌های به توشین و دهی ای به تندی علم مخالفت را در پیش گرفته بگر برافزانه اندر این موفع که یکگاهه علاج اوضاع بیگانه‌نگینی و اتقان استو تهباد سابه شترک مساعی کامرو ایشراک می‌توان از بسیاری از شرابیه جلو گیری نمود بدخانه اینست دست بشیاید یعنی بر بعضی هاتر و دوست مرشاهه این فساد کلام و آشکاراست و آن‌هایکه از آن دست و فرزند و زنی این نظام رانی می‌نمود کم اشتباه خود واقف گردیده‌است این فکر بود ما مارجوایای که استه نظرشان بیه با تانین تمام برای کسانده است و تبلیغ می‌نمود و این آتش فلان را استادان دارن نیز نماند گو می‌تند در این دقائق آخر از این اوضاع بیخنده سکن است استفاده بیرونه و از این خوان بیصاف طبعی را بر گیرند تاو بیصاف شروع این اقدامات بر ایما روشن است مدارک و شواهد کافی هم موجود میباشد با نظار اینکه تیشی در اوضاع اصل دوره زوری پدید آید از آن مظاهر ساختن خواته گان عشو داری میباشیم ولی اگر این روی بروی متروک نشود تا لاکر مطلب را روشن تر شرح خواهیم نمود.

طبق اطلاعاتی که اخیرا رسیده آقای حبیب الله صیغ که هم نام نامی مسفر کرسی از پارلنران کردیم هنوز هم نمایندگی او صفریست باید اینکه از این موقعیت استفاده نماید یکردستان مسافری کرده است.

جریان مسافرت ایشان بر از ذیل است چندی قبل اطلاع دادیم دو نفر از روسای ایل تیلکوهی که از خدمتگذاران دولت هستند و بیرونهای غیر قابل انکار آنها دوستاندانش و وزارت چاکلر نسبت و دیگری وزارت کشور و لشکر کردستان میباشند و غیره موجود است برای مرض شکایاتی باوجود توفیق آمده بودند شکایات صریح آنان را میسر است اطلاع از این فرصت استفاده نمودیم پس آنان به مستنج مراجعت نوشتند خدمتگذاران و در پیشگاه فرمانده لشکر کردستان شمع خود که از سرتیفر آنان که بایافت آمده باولیای اخوریتانده شده اند گذرد.

حاصلت که پیشین میشد به تنها این فوایر خدمتگذار مورد طعنه و نعات افراشگر گشته بلکه در حضور آقای صیغ هم مورد سرزنش و موعظه شد.

آقای صیغ که بدین رویه خود را در فرمانده لشکر سابق کردستان نزدیک نمود بروی خود شوقش قدمش هم به شرح داده بود در مستنج بدستور با انداختن موشی هم به وزیر ابلخ اضار فرمانده لشکر

بتم آقای میر محمد علی شوری (مشیرالامراه)

کردار باید تشریح و نوازش نمود



رسیده بودم در اوتشوبن به سفار و تکر ال هائی برای ابلای فرمانده لشکر نموداگر چه این تلگرافهاو نام تلگراف کنتدین دو جراید منکس نشه ولی واضح بود که مراد ایشان بچگونگی امرواقت شده و دست سرباز خوانده است.

گویا پس از اقدامات مستنج به مسفر و نه تادو میان و ظن خود این اقدامات مومری عیدول فرماید متاسفانه چون بیست شبلی دیر میسر موعظه ها مساورو میشود و بعضی تلگرافها هم مغایره نشیود جز برای اقدامات ایشان هنوز بر ما روشن نشده.

انتظار داریم علاقتان با اصلاح اوضاع کردستان از حوزات اقدامات ایشان اوضاع مستنج کردار نسبتا مام توبه خود اطلاعات و امله را باستفاد خوانده نکر ساریه تا جنگلی بداند کردستان دستخوش چه تحولاتی است و چه جانورانی بجان مردم بیچاره آتیا انداده اند.

ولی خبر خوانه به آقای صیغند که مدعییم بجز این است هوس و کالت ساز رایاری این دوره که قریب بیایان است و برای دوره آنچه در سرور گشته و فدالیست خود را در فوایح دیگر که بهتر برای قبول نمایندگان تحویلی آمده است بکار بندند در این دوره تا حدی فطما ایشان دریافته اند مردم با سنی زور زیار و کات ایشان تیر بندینیا برای دوره آنچه ایشان برای داشته ۱۳۰۲ رای برانطباق دشوار تر اگر دارا بودن اکثریت دوره فطما استی که لازم شد در ایتیا مبعلفتر خواهیم نوشت.

مراتب هوش و فطانت باجماعت و شهامت و سعادت و هوش و فطانت همدستی مدد نظر هوش خود شجاع و دلیر میباشد و حبیبان و ارکان ایسان میدانند ثبت دین و آیین اسلام را کلا معتقدند خیرترین راه بیزوده استینا و احوال نشین آیه آله ایمان نوازی و نان بهی را وظیفه میکنند خود میدانند آن از اوردین بطن غوش با سنی با سنی بی درمائی میکنند و معصان فایت الیود بدل الیود سوزا نسبت با آن گناه کامل میباشد البته مانی خلتی سخاوتمند است که آچار شمار خود فرارده اند که از ماضی و مزایای ایران باستان بشمار می آید و این روی و رفتار در ایهبت و مومنت ایرانیه اله ازه موز و مدیدو فیله شواهد خواهد بود.

سلطان وقت را واجب الاطاعه میداند و در ناز روزی حاضی جبه خطبه را بهما و میخواند و بیین ملاحظه است که برای صحت امورات خود مستعد است از طرف سلطان لازم دانسته اند.

رود فرمانده

لشکر کردستان جهران

آقای سرتیپ مسایون فرهادی لشکر کردستان در ساروز است بطهران وارد شده اند.

انتظار داریم هر چه زودتر کارهای ایشان در تهران پایان رسیده یکردستان هزیت نمایند و بجز امواریم ایشان در ماوریت جدیدتر کردستان بتوانند خدمت واقعی سبکات بنمایند.

ملاع همی میسکنیم و ارجح بایشان اطلاعاتی گک نموده باستفاد خوانده اند از جبهه ساریتم.

شماره ای ۲۵۲۱ تا ۲۵۲۲ نام کردستان در مستنج و موز توفیق شده از فرمانداری نظامی کردستان با بست غامه که فلان روزنامه ها را ضبط کرده اند در خواست میشود اگر آنها را مصرف نشود اند چون دیگر برای آنها فایده ای ندارد دنیا با در مستنج روزنامه اماده دهه زبیرا مورد اشباح میباشد.

مراتب هوش و فطانت باجماعت کردهم درجه ایست که در تظلم و تسلط فرهنگی قریبا کوی بیست میباشد و اگر و سایل کلابرایشان میسر شود سوزدی فنون سنتنی کلاووزی در موافق اصول سنلی امروزه درک نوده و خود را می یاز خواهند نمود چنانچه فضلا نیز غالبا دارای صنایع بهی و اروام زنده گی هستند تا از هه سنتنی از اجمالی میباشد.

فزون ادبیت کردی و فارسی را خیلی خوب دارند چنانچه آثار طبع آنها بگوش شنودن رسیده و مستحسن بوده است بتد بزرگان سرازار است که از طرف ابلای امور نسبت با کارگزارانی برای تشویق و نوازش وائی عطف آید تا موجدان دلگرمی آنها فراهم آید و بروی دهرینه خود کثور ایران را جلو و رونق بزرادند.

شخصای قست را هم باید دانست و از جهت مصلحت نصب الین سوکه که ایران باستانی امرا کردو نیز کرد لازم است که هیئت در تهرجم بک حکومت ملی و اجناس اداره شود و عموما با سویی از مزایای قانون و فرهنگ بهره مند گردند و چین تمام اهالی کشور باستانی ایران برنده اهل یک شاعه مستند برادر ارومانندم از تریب اسلامی ورشدند که در کوی خود شونده و در حین حال البته این نکته را نیز بایستی تصدیق داشت که در مورد ضرورت اصلاحات و معربه حکومت ملی هم که مسک طالب و خواهان آن حکومت هستند ضروری است و مسلما فندان آن قض فرض است و ملاحظان و مال مردم مشکلو مسر خواهد بود.

بمقام آقای عباس آزادبورد
وکلای محترم ما - اداره کل غله توجه فرمایند

انحلال سهميات فله كردستان چه اثری دارد

تتها حاصل دشتهای شرقی كردستان عبارت از غلاتی است كه در ابراهای یلاق، اسفند آباد و سوسور جمع آوری میگردد . چون شورك شورك باید با دكان تقاضای آن از دعات حومه امین میشود دوات برای وضع یا مندیهای سایر نقاط مازاد مالك و رعیت وارد هفت تظه تبرك و بدون اینکه احتیاجی به میور جنس از غلظت شرقی كردستان باشد تا بوجه حدم احتیاجی به نقل از غلظت عواضر شرقی تهم و سایر باوری در اوبادهای شرقی نوازك در دوماق قریب ۱۰ هزار تن غله آماده م شود و از آنجا با ماشین های دولتی با بنبر دولتی بنطاق دیگر ایران و یا بخره كلی بهر هكلی كه لازم میباشد با كمال سهولت جنس حمل میگردد و با این عمل دولت صرفه جویی قابل ملاحظه ای میورد هر چند مبلغ میآورد زیرا دیگر شراران نطقه را از سهمه اكولو متحرک حمل البومر و مهورات محلی نیونود .

از طرفی هم تولید كنندگان بازار فروش فزیدك دسترس داشته و این تسهیل مشوق دعائین شده كه بجای اینکه برای اكل بشیر هجوم بیاورند و دهات ممانه و زمینهای سایر آباد و بدون ترتیب حاسن موتری در آبادی فراهم و تهیه محصول فرط شرقی كردستان میگردد .

این رویه در سالهای ۳۲۱-۳۲۲-۱۳۲۳ هم ادامه داشت دولتهای جدید كه باید برنامه خود را روی بهبود اوضاع نلاخی مملكت متكلی كنند سیاره ملاحظات كم سره آلی آرایشی از سود نهایی تشخیص داده اند بنابراین از قبیل تالیف كردستان - انحلال بازار بری - نیون انوبیل و غیره شبات مزبور و اسعل و مالك و رعیت این سامان را بجای تنویق به كوشش در از دیاد محصول دلرسر ساخته .

نایدنكه محترم كردستان بهر از اهمیت منطقه شرقی كردستان از غلظت كشت غلات خوب مطمئنند ایندسات دولت راتوجه احتیاج خود نیوده كه بالا با تلیل سعی میباشد شبات منظور كسر بودجه وارست كشته زیرا اتصال چهارمزان تن كشم از مشتا ایله شك جنوی كردستان بنسج و ترنر كز كنتم دهكلان مر كز یلاق در شره و اتفال میدند آن سایر شهر ما حار آب و اتلاف وقت و مسرد شدن راه زمستانی آن پیش از بر آورد سوزی است كه از منحل نیون شبات فرعی بشولت بر میگردد . زیرا حاصل پلتن كنتم از اكیاداران با دهكلان بشیر و بر كز داینن آن بنسج میده و ارسال میدند از جمله بنسج مین آیم با توجه كامل بانلیم كردستان و

طیبه و جوی آن كاری است بیسفكل و عملی است كه متضمن شبارت كلی كشورزان و احصاف قبیله وارین از نلاحت خواهه بود كه زبان آستنیاسیا نتوجه دولت مكلت میگردد . از طرف دیگر هر كه توجه خود كه غرضهای قاطر سرد سپر یلاق تا این سالها بر داشت نیشود و اتفال هلت هزارتن غله از كرده كذاهی كه هر سال رسا چندین ماه مسعود دولت مكلت با وزارت راه خودتادریز نیون آن نیست چگونه چنه راس الاغ و طرك و مردی دهكای بیچاره متزاتة این نقل و اتفال طیلم و انجام دهند . در صورتیكه دولت با مقنودات خود با اتفال دایك كاور نیاهد مالكین كردستان با ماضن هیچ وسیله چگونه دیر آوردن این مهم موفقی باشد .

مصرف دقتی روغن میباشد كه چون نلاحت حیوانی و ازیت انسانی و فین عدم اتكال با دیر خواهه دعات و تهیه های آن كروك باواور فروش نطقه ضرعوی زمینهای كامل شرق كردستان خواهه بود .

این طرز فكری بنسج انحلال شبات فله و دسورتی میل خواهه و سید كه دولت در ضمن انبساط اكلمیرن ها بانظرل دافت با هكده كه فروتنه كگان نواته محصول خود را بار گیری نیوده و بنسج بر ساهم و آن جا با انتاح راه نیچون عراق بازار فروش مازای در عراق تهیه نیاید و نكرانی قاطبه تهیه كنده كننك غلات را دلم

بمقام آقای سلیمان برنی لایسه خون

گرمانشاه متروك

از عهدۀ عهداگر بیرون آید مرد از هر چه گداگری بیرون آید مرد

از طرف آقای دكتر آزادان مدیر محترم روزنامه هفتگی گوهستان كه با سك و روش منتی بروز تمام نكاری اشتدل روزیده و با اسلوب صحیح نامه نكاری روزنامه وزین گوهستان را اداره می نماید به نكارانه تكلیف شده كه در اطراف امور تاریخی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی گرمانشاه كه هم آهنگی خاصی با كرد و كردستان دارد مقالاتی بنویسم تا شاید اتغاضی در خدمت برجسته و گامهای بلندی كه همزایه برای غرب ایله آلی عالی و تسویر افكار اهالی غرب ایران داشته اند تسبیب كردد این پیشنهاد را كه شتهای آرزوی دیرینه ام بود با كمال اشتان قبول كردم و چون از هر زمانستی كه در خدمت او كشیدم با هرحیت جامع راجع بكرمانشاه تالیف نمایم تا بر این از تمام كتابهایی كه شرح مختصر یا مفصلی راجع بكرمانشاه داشته است . كتابهاییكه سیاحان خارجی نوشته و چه كتابهاییكه دانشمندان ایرانی تدوین كرده اند تا آلیاتیك دسترس داشته است استفاده كرده و مورد مطالعه و بررسی قرار داده و از تمام آنها مصاره صحیح آوری كرده و با اطلاعاتی كه از خارج تحصیل نیوده است در عرض استفاده خواننده گرامی میگذارد .

پهلوا از حوم خوانندگان بهمنوس از هشمیریهای محترم گرمانشاه تنی دارد از آلیاتیك مسكن است و دنگار شاتیهی میشود اشتباهای رخ همد برای تكبیل اطلاعات اینجاب و جامع بوغن مته وجات كتاب برینته مدت گذارده اطلاعات خود را به نئیانی بانك گذاروی با روزنامه گرمانشاه برای برسنده و اگر بر سیبل اتخان از غلظت تاریخ نویسی سابقین از اوضاع و احوال ساكنین گرمانشاه برته تمعیر دو میاید بسفاد (علو كردن از بد كترین اصظم است) معلوم فرموده و

تند . و اكر اوصاف دولت اشیاخ بهریدفله دارد و برای مصرف داخلی مورد نیاز میباشد با پلا اتل نصف شبات سابقین را با هكده كه هم مردم بنواتند بسبولت بنسجی مازاد خود را به شبات تحویل داده وهم منظور دولت از صرفه جویی چامه عمل بوچیده باشد .

بوض خوده كی بهای زیاد در این خدمت اجتماعی كه بهر عمران و آبادی گرمانشاه و ترفی و تمالی گرمانشاه با و شتا سایند آنان به سایر هوشنان گرامی طرد دیگری دو بین نیست باطلف و كرم همب خود مواخذه تم فرماید مزید اشتان و تشكرم خواهده شد - البته منون میوشم كه از اطلاعات جامتری كه هر كی از خوانندگان گرامی داشته باشند استفاده نمایم و اگر بخواهند رنگارنگه خبر و گزارشهای ارسال دارند محضاً بنوبه خود دو جعلای مناس كجناخته خواهده شد .

در هر حال مقصود از این جزئی تفسیر اینست كه قبل از اینکه شروع بنوش مشوع كنم خوانندگان محترما بشود كه شبات خود را بنگه ایام تا بعد از مفاد معنالی كه بنقشان میرسد در كتم نشونده و با این سبب است كه از غلظت ووشن چنه اتغان بنوشتن این مقدمه میادرت كردم اتعاضاً ایندهوا و بطوریکه و همد دادهام از هده آینه همد از مطالب این اساس این كتاب را كه بهر وقت در این گرامی نامه دوج میشود به ترتیب زیر از نظر خوانندگان نظام گذارتم .

۱- عوامل طیبه - اقتصادی - دوس - سیاسی كه هر چهار هلت و معادل یكدگره .

۲- سوابق باستانی و تاریخی گرمانشاه .

۳- موضوع اصحاب گرمانشاهان كه متضمن فوائد همده برای آن سامان است .

۴- زنده گانی بوزكان و آزاد بخوانان گرمانشاه .

۵- سیاهمدین و مهاجرین در گرمانشاه .

۶- ع و مشروطه طیلم تهران و طرز پذیرایی از آزاد این شتاب .

۷- پلا توشعاری گرمانشاه .

۸- طرز زنده گانی و عادات سرداران شایرو رمایای آنها .

۹- طاعت سلطنتی و اجتماعی گرمانشاهیا

۱۰- طاعت عقب مانده كی گرمانشاه و سیر قهرمانی آن

۱۱- راهشای عمران و آبادی

۱۲- شیبه و نظریات ما

و من لاف تویق و طیبه الفكلان

فلم آقایان محمود و روح (آنها که گردان)

گردوگردستان

سنه اردلان

حکومت مامون یک (دوم)

پس از فوت بگه یک، پسرش مامون یک دوم در سال (۹۱۲) هجری بجای پدر نشست پس از دوسال حکمرانی او طرف سلطان سلیمان سلطان مغول فوت شدانی لشکر ابروهی مرکب از بیست هزار نفر سوار و پیاده نظام سرداری حسین باغا فرماندار عادی به تقاسم مدخلات مامون یک اول با آنرسلت - مامور و نطق تسخیر کرد و تصرف و تسخیر کردستان گردید.

مامون یک با چهار هزار نفر سوار برای جلوگیری حرکت کرده در ناحیه شهر زرد لاقی لرین پهل آمده. صبح دو شنبه ۸۸۵ قمری، هجری طرفین شروع بکارزار میکنند لشکر کرتاروب آفتاب دور برادر سپاهدو ششانی پایدار میمانند و طرفین لغات زیاد میهنند که در مرصه مامون یک با بنی لشکر در قلعه زلم حصار می شود دو ماهه موسوی خود و سرخاب یک و دو صمد یک و میونسید که لشکر بگه او بفرستند قریب یکساعت با تظار کک باقر قلعه داری میبردازد.

پس از پاس از رسیدن کک و قطع ذخیره ناچار شهاب با چنه نفر از خواص خود بمقر حسین باغا سردار سپاه میانه شد میوزارایه یکطرف از سندیین خود را با سلاطین نامه و استعفا شفاعت همراه لسانی روانه دربار اسلامبول میباید این اوردود مامون یک حبس و زنجیر میشود لشکر یک که همان شب ولایت متصرفی مامون یک را تاراج نمود مراجعت میکنند.

حکومت سرخاب یک

اردلان (سرخاب یک) پس مامون یک اول، هجری مامون یک دوم هیکنگ از کاکامیگ متصرف مستقر شده و پس بتغوردا جمع کرد سال (۹۵۵) هجری متصرفات برده از وفادار و متاصحاب میکنند. و قلمرو حده یک برادر کچک خود را نیز با قهر و غلبه متصرف میشود و با شاه طهماسب مغولی طرح روابط نموده نامه هدیه بدربار آن پسر پادشاه میفرستد و اظهار اطاعت و اجداد میباید در بلوک میروان بالای کوه بلندی که در شال جلگه واقع است نامه مستحکم برای روز میبادا ساخته که حلاهم آثار آن پائی است و قلعه سرخاب یک معروف است.

محمد یک برادرش که از هشتی ساغف

۶۰۰

یک غزل گردی

از طبع آقای علی حیدری (سالار سید)

خسته و بیقرار نوم ای روحی شیرینم و ره
چاوه روی دیدماری نوم ای بار دهرینم و ره
روحه کم بر زبیر بر حفظی گلی باغ رخت
ای گلی گلزار کی نونایخ و بر زینم و ره
دردی عشقی نونوشی خستوم ها نوم مرک
نک اجل مهلت ندا با نای بدینم و ره
دل بریندارم به تیری نازی چاوی بازی تو
بوشماخی زخمی دل بوسیدی بالینم و ره
بلکهام چاروبی شفا می من له دردی سخی هجر
بو معدا ای طلیسم تا سکو بالینم و ره
من له زندا به تنها طالی مایبکی نوم
طالی ماین نگاری چن و ما چنیم و ره
مخت نهایم بو نهانی ز بام بو دینم
باری وکی مرک و وقتی دن و تلقینم و ره
غیر شمس الدین تاوه از روی دنی کم
حیدری بوه دلی ای شمه کی دیشم و ره
این غزل و آقای جعفر حیدری از تهران ارسال داشته اند

قلعه زلم می شود. و خیال و اطفا سرخاب یک و شایع لغات قرار میدهند.

حسین یک سردار ایران شفاعت زن و بچه را قبول کرده. محمد باغا را با شمشه نقره که همراه داشته سالها بدون غلبه اسلامه آزاد و روانه دربار اسلامبول میباید خود حسین یک هم باقیانوار این اعمار بی بلان دربار ایران مرابعت میکند. سرخاب یک هم با کمال شوک و اندوه بر مسند حکومت کنکور کردن استنزار پانته بپیران کسوات و تهیه نظام جدیدو تکمیل اسلحه میبردازد و مرکز حکومت را از قلعه زلم به بلخ میروان انتقال میدهند و آنجا را دارالالملک گردستان معرفی میباید.

پس از این قضایا در تاریخ ۹۵۶ قمری الفاس میرزا برادر شاه طهماسب که مدتی پیش از دولت ایران باقی و روگردان شده بود از طرف شاه طهماسب بیرام میرزا و شاه لالی خان مهردار و ابراهیم خان با بیست هزار سوار جنگی مامور تعاقب و دفع فتنه او شده اند در حالی شهروز باو رسیده جمیت اورا منوم و متصرف میبازند الفاس میرزا با بیست و یکطرف از کسان خود بقلعه میروان میبازند سرخاب یک والی گردستان میشود. سرخاب یک طو اورا از شربزار ایران خوار شده با تمام مهرباشش بوسیله شاه نسیان که خود را شاه طهماسب بود دروا دربار ایران میباید.

شاه طهماسب شفاعت سرخاب یک را پذیرفته و در جای این خدمت بپوزشهای شفاعت متصرف میبازد. و مره سال یک سووار تومان فقه از خزانه دولت بمیانه استراری دربار او بر قرار میدارد.

سرخاب یک را بازده سپرد (۹۵۵) حسن یک (۹۲۵) اسکندر یک (۹۳۰) سلطان علی (۹۳۵) بگه یک (۹۵۰) بیرام یک (۹۶۰) ذوالفقار یک (۹۷۰) هشی یک (۹۸۰) خسروا یک (۹۹۰) ساروان یک (۱۰۰۰) قاسم یک (۱۰۱۰) یساق یک - ازبیلین سرها سلطان علی یک از چچه لیاقت و حسن سیاست جانشین خود قرار داده و بیرام یک پس بستم شهروز حاکم روزاه و عادی خود و سواتال (۱۰۱۹) هجری اولاد و اخلاص هین بیرام یک حکمران آن رسال برده اند محمد یک که اورا (میرزا شاه) گفته اند نومیان بیرام یک اسه سالها با دولت عثمانی درود خود رده است سرخاب یک بی بی از سی سال حکومت بسرای آخرت یافته. سلطان علی یک جانشین او مد طولی نکشیده بید ملحق شده است. او اوفوسنج و بیورخان و خلونخان و چغا مانده اند. یساق یک سپر زدهم سرخاب یک که همن سلطون کالی و برهوندی بوده با کثرت آرا و ریش سفیدان مقام فرمانداری را اخیال میباید -

میشود بدربار سلطان سلیمان سلطان ششانی بنامه میگردد و مورد نوازش واقع میشود مامون یک هم معتمد و لولی او از حبس ۶۰۰ و ۶۰۰ را که از تاراج پنه دست برای محل معاش عائله ایشان معین میکنند. و رستم باشای سردار کرم را با سی هزار سوار و پیاده در معیت محمد یک و مامون یک مامور نطق وضع سرخاب یک میباید در تاریخ ۹۴۷ هجری رستم باشای نامبرده، بنواخی شهروز رسیده سرخاب یک از قسبه مستعد ر میشود فوراً از شهتزار نفر سه کرسد زار و با آب گرفته در روز پنجشنبه ۹۴۷ رجب ۹۴۷ هجری هردو سید. در وقت شهروز با هم لاقی سوده آتش جنگ شلو و رستم میوزد سواره اگرکداد در انگلی میهنند سه مرتبه پیش تژون لشکر ششانی و ماغاریا کسکت میهنند و تارغوب آفتاب لاله چکه اختلال داشته میباید شب درین دولنگر میباید میشود و هربت او آسگاه خود مراجعت میکنند.

مدت می شود زرد خود با ناهایت شد طول کتیبه - قریب متشوار نفر از لشکر روم و مسهران نر از لشکر کرد گفته میشود.

بالاخره سرخاب یک در قلعه زلم - حصار می شود و شخنا از شاه طهماسب تقاضای کله میکند مدت دوسال کار خصم بطول می انجامد و لشکر روم از دافن تلفات بشمار آمده از تسخیر قلعه نا امید میشوند باشت و تاراج اطراف ونواخی میبردان که راه ذخیره بر نطق این قطع شود.

در یکی از حرات قلعه زلم رستم باغا ژم بر میاد و بتری میشود. مصافق این قضیه غیر میرسد که بازده هزار نفر لشکر ایران سرداری حسین یک نام برای کک بدو فرستگنی قلعه زلم رسیده است سرخاب یک از رسیدن کک شوخحال و سپاهیان روم حرن ملال شده. رستم باغا هم از اثر زخمی که برداشته وفات میکند.

سرخاب یک بجهد شیند نور مستقیم یک از قلعه زلم بیرون تافته. و حسین یک سردار میوز ایران را هم مطلع ساخته متوزاره خود را بر لقب لشکر روم میزد و نظام لشکر را از اقیاب نداشته همه را دافان و متصرف میبازد. اوردوی ابراهیم که میرسنه لشکر فکته و متاصحاب نموده جسی را لیسرو هژوا طه شمشیر میباید. باقیاننده در معیت محمد باغا که یکی از صاحبین نامی دولت روم بوده پنهانند

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۲/۲/۲۳ - باومه (مرشدی) بشانسته شماره ۶۵۰۱ باستاد بیکرک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه ۸۵ در وقت تقیم نامه دادخواست بشماره ۲۲۸ در تاریخ ۱۳۲۲/۲/۲۳ داد باینکه - مویشی محمد قومی در زمانه شناسنامه شماره ۲۰۰۲ در تاریخ ۱۳۲۲/۲/۲۳ در تهران جایگاه هیشکی خود و مات بافته متنازه، زوجه دائمی و آقایان حسن بشانسته شماره ۳۷۹ و اهنر بشانسته شماره ۲۷۸ و آقایان: مه شار ۴۶۸ پسران و دوشیزه سرور شناسنه ۲۵۷۶ دختر متوفی و وراث منحصراً میباشد پس از شنیدن گواهی گواهران مراتب سه بیت متوالی ماهی یک برده روزنامه رسمی کشور شانشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشد با گذشت مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تناضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مه بروز ایراز و الا هر وصیتنامه غیر از وصی و سری ایراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگهای بخش تهران . امامی اهری

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۴/۱۲/۱۸ - آقای جهان بخش (ارجنبه) بشانسته شماره ۱۶۹۸ در ۱۳۲۴ باستاد بیکرک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست بشماره ۱۶۶۷ در تاریخ ۱۳۲۴ داد باینکه مرحوم (ابراهیم ارجنبه در زمانه شناسنامه شماره ۳۹۱ در تاریخ ۱۳۲۴ بمیرا ۲۴ در تهران جایگاه هیشکی خود و مات یافته و متناضی و آقایان نادر و هوشنگ و امیر پسران و بانوان فخرالزمان و مهین بانوار جنبه دختران و بانو طلیه ارجنبه زوجه دائمی متوفی و وراث منحصراً میباشد و بعداً بانو طلیه ارجنبه در زمانه شناسنامه شماره ۳۷۸ در تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۲۴ در تهران جایگاه هیشکی خود و مات یافته و آقایان جهانیش متناضی و نادر و هوشنگ و امیر ارجنبه پسران و بانوان فخرالزمان و مهین بانو ارجنبه دختران متوفات و وراث منحصراً میباشد پس از شنیدن گواهی گواهران مراتب سه بیت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شانشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشت مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تناضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ایراز و الا هر وصیتنامه غیر از وصی و سری ایراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد شد .

۳-۲ رئیس کل دادگهای بخش تهران . امامی اهری

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۲/۳/۱۲ - بانو فرنگیس (جبران) بشانسته شماره ۲۲۴۳۵ باستاد بیکرک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۲۰۲ در ۲۷ در زمانه شناسنامه شماره ۱۹۹۵ در تاریخ ۱۳۲۲/۳/۱۲ در تهران باینکه هیشکی خود و مات یافته و متناضی و نوتخانم سلیمان (جبران) بشانسته شماره ۱۶۰۷ و خواهران آقای میرزا (احمدخان) فرغ شناسنامه شماره ۲۷۵۰۰۰ پدر و آقای متوفی (ابراخمان) بشانسته شماره ۱۹۹۵۳ شوهر متوفی و وراثت منحصراً میباشد پس از شنیدن گواهی گواهران مراتب سه بیت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شانشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشت مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تناضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ایراز و الا هر وصیتنامه غیر از وصی و سری ایراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگهای بخش تهران . امامی اهری

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۴/۱۲/۱۸ - آقای لامرضا (زوی باب) ب شناسنامه شماره ۳۳۱۸ باستاد بیکرک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست بشماره ۴۳۳۹ در تاریخ ۱۳۲۴ داد باینکه مرحوم بانو بتول میرزا حسن داد شناسنامه شماره ۲۰۰۶۶ در تاریخ ۱۳۲۴ در تهران جایگاه هیشکی خود و مات یافته و متناضی شوهر و آقایان محمد (زوی باب) بشانسته شماره ۱۵۵ و حسین (زوی باب) بشانسته شماره ۸۴ و محمود (زوی باب) بشانسته شماره ۴۶۲ و احمد (زوی باب) بشانسته شماره ۱۶۶ پسران متوفی و وراث منحصراً میباشد پس از شنیدن گواهی گواهران مراتب سه بیت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شانشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشت مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تناضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ایراز و الا هر وصیتنامه غیر از وصی و سری ایراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگهای بخش تهران امامی اهری

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۲/۲/۱۹ - بانو فاطمه (حسن) بشانسته شماره ۵۵۵۱ باستاد بیکرک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست بشماره ۱۸۳۱/۱۲/۲۴ داد باینکه مرحوم صادق (حسن) در زمانه شناسنامه شماره ۵۵۵۸۸ در تاریخ ۱۳۲۲/۲/۱۹ در تهران جایگاه هیشکی خود و مات یافته و متناضی بانوان شوکت (صادق سلمان) بشانسته شماره ۸۵۴ و زهری بشانسته شماره ۸۵۰ و زهرا سیتی بی - شناسنامه شماره ۵۵۹۴ دختران و آقای سیمر حسن بشانسته شماره ۵۵۴۲ بی متوفی و وراثت منحصراً میباشد پس از شنیدن گواهی گواهران مراتب سه بیت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شانشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشت مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تناضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ایراز و الا هر وصیتنامه غیر از وصی و سری ایراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگهای بخش تهران . امامی اهری

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۴/۳/۲۰ - آقای سید اسدالله (قنقی) بوکلت از طرف بانو رفیقه سلطان (ارده زاده) باستاد بیکرک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست بشماره ۲۱۱۴ در تاریخ ۱۳۲۴ داد باینکه مرحوم علی (جزایر) که جایگاه هیشکی او در پیوه در تاریخ ۱۷ سالگی در کربلا سلاطت یافته و بانوان رفیقه سلطان ایزه زاده شناسنامه شماره ۱۶۶۶۶ و سگیه عزیز الیسی بشانسته شماره ۲۱۳۵۰ زهره - (کریم زاده) که ایشاوی بشانسته شماره ۷۲ خواهران و آقای عباس (بابلی) بشانسته شماره ۴۷ برادر متوفی و وراث منحصراً میباشد پس از شنیدن گواهی گواهران مراتب سه بیت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شانشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشت مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترضی بر حسب تناضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ایراز و الا هر وصیتنامه غیر از وصی و سری ایراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگهای بخش تهران . امامی اهری

تلگرافهای وارده

از همدان

مجلس شورای ملی هینا کبیله هینت و درازه کبیله ممککه عالی اتقاصی هسفال اولین کبیله هوزرومامه کوهستان کبیله اعلامات هون هینت جبهه لهدای کب امدی از مالکین مستقر کلیاتی هسنت هیشادت دمازت نسام مامورین کردستان و کرمانشاه مدت صوم را باهوزن فرستاد و صعت هون بره برده کوهسختترین خیاتی نداشتانه چندی قبل آذربایجان ستوان جنجهی ستوان هجران استوارشرفی فرمانده دسته زانداومری فرقه ستره کلان بقره کتکر مالکی ملی کلموموسی ابروان بنده وارد چون اخوان معبر نبودن هون پندیرانی ایشان رفت لئی اورود مرا گرفته ده هزار تومان جریه ه خواستار شدند از هیچگونه جریسی برای وسولوبه بنور فرو گذار نشودند از شقایق کبیله شی قطع نان و آبیو کلیه غذای هسنت مرتبه بنده را با قطع ترین غذای هوزبستهنچای فرسوی ویک فرسنگ ملی با نهدیهات جاری فرستاده هودت دادند چون قضیه دیگر برده پوشی هسند ناوار بستهنچ فرستاده و معشب بی گناه زندانی هسند آقای دادستان ازاد فرموده ولی بیایست مدتها دو کتیک زندان جان بندهمرفرت دکران هسند مخرجیم خدایان نمود روزی تیسار سر لشکر جبهایانی خود هوزاد کتیا مورش دانشتر نامزای رسیدگی کردم جناب سرگرد فروری برای رسیدگی بسمل تشریف آورده بندمورام برای مواجه حضور ی باقشر هاولومورام خیانت ابروان ایشان فروده کلان برده قضیه مشکوف ضیرشان کردید البته وجدان پاک آقای سرگرد خردرور قبول نیکند حق باین بزرگی و این آشکاری پامال خود سکوت چاکر یو در ایندست برای هین

از سلدوز

بنگاه خالصه جات رونوش هینا جناب آقای صدر قاضی لهدایت هولس رونوش هینا وزارت کشاورزی رونوش هینا نامه کوهستان مجلس میندوآب بهشادری آقای نلاح و رس خالصه میندوآب در اثر تهدید و تطبیع اشخاص بدون جهت بانه سکه زیدت تطبیع خالصه در کارموسق کتیر ایرانی هسنت هوزمرال میالغ برادند نفع خالصه میرسانم شهیدآ معافه در حدود یکمصدو بیست هزار ریال از مال هسنت هوزبته وسایل نلاحی و مساجل کشان کرده باوجود دادیم دوسه صد هینا و اشکال تراش است و مسافعه هینت که ملیج بییمان در اختیار بنده بودی از تصرف ع راج و بره ایام هینت خالصه بشهیدمه کمن درآب دوتوبه - همان برای زراعت بلندر هوستان خودداری بهای معدهزار ریال محصول در خطر سوختن از بی آس اسرار داران و منخصر علاقه خودرا که باذن جگر آباد کرده ام تحت فشار در زود کونی مفرشم کلیت و تشتت اذاتان مهل نتیجه نداد استمه ای رسیدگی فوری و جلوزیری از ظلم و خود سری ولجس خالصه دارم

تقاضی قاضی

از سقز

ساعت مقدس معیاس شوری ملی رونوش هینا وزارت دارایی رونوش هینا کلی غله رونوش هینا آقای صدر قاضی لهدایت محترم مه اباد رونوش هینا کوهستان رونوش هینا اطلاعات رونوش هینا دلگشا وسیله تباعثهاته ونا آقای ادرلان روی سوه نظر هسنتی با تحریک آقای هیدارعلیه شیخ الاسلامی خدابنده هوزبیت فرکاند زمان هسنته خلیجه کردستان به سر وارد سامکرماندن قلمبه سقز اطری حکم اطلاق بدون تبیین شغل دستور معرفی بکارگزینی مستخرج اعلام مستندی صورت میوزناتوئی تالیله غیر این سرباعا نفی دستور صادره توجه امر با ابلاغ فرماید

از طرف مخرجی کماندن غل سقز معصفا لفتی

از سقز

جناب نعت وزیر کبیله وزیر هدلیه کبیله دکتر کشاورزو کیل مجلس کبیله نامه اقدام کبیله نامه کوهستان نیدنام بچه زبانی جواب اشر مفرع بهعم امامعلی موبدی شوهر هوزاد کشاورز هوزبده جفت هسنتیم که در دست داریم کشت کرده و اضمایه بانی اجهاف نسبت بشوهر نمود حسن باشا اششادی با امت دوخر شوهر مرا مقول هینتینامه چون شوهر مقولم کشاورز است خوش بایمان میوهاده بشود استعده دارم اخرونی فرمایند مطابق قانون میازات برنده تشکیل دهنده که مطابق فریق خون شوهر کشاورز امزین برید اثر انگشت سکنجه موبدی شماره ۳۲۲۷

گذاشت

برای انبام دستور نوییون چهار پرویک هوزبینه باشا از وسط کردستان ترکیه هوزاد حسین باشا و پسرش هسند و پک خواهر زاده دیگر و پک اوهو دیگر از میان ایلات سرحدی جنوب ترسکه هسازم آدراته شدند

از دسته اول ۶ نفرشان در غازی از طرف قوای دولتی محاصره و کتته هسند و نفر دیگر محمود و نادر نجابت پانته خودرا به کوی آگری ملجا و ممان هسنته بهکن رسانیدند

خود حسین باشا در ازای خیانت هالی که به ملیون کرده بودیا هسراش هسنته به گولره هالی اکراد جان برهه

آن ثروت و منگت سرشاره که برای محافظت سر تکب خیانت شده بود دراین فلایق آخر هم باروفا کتکرده در حالیکه صاحب دهمها را لیره هسنا یو در بافرزندانش بی گنن مرده و ازهمراه طمه خانوار حیدری احدی بالای سرش بودگی هسنتا در بچاک نیرنده هسند حیوانات وحشی واقع شده بودی ترتیب تاریخ هسنتا را هوزاد ترکیه و خانات بلت کرد و پادشاه اصال گور حسین باشا هسنته شده

حاجی موسی بیله هم بازرگکی غاس خودار مجلس بنلیس پس از معا که از کتته شغل و نکلای معسکوم به تمیید هسندو آیدن هوزبینه بودیم تمیید کابایین بکبکی را فرستادیم از آتلیانی که هرفد روح آزادی داشتند تمیید بودن را توانسته هسند هسوار کتته با بکبکی فرار فرار گذاشتند حسین باشا خانواده و بچه هایش را به هوزر از هسراش سیرده برای خود هواجی بیله هسراش دیکر شاسب و چنده تکتک هسپه کرده هسند از هسراش هوزاد امسوزو پیش گرفته - دسورده میهان هسندو آتلیانی از دسوزی بزرگ ملیون که ولجس اهل هوزبک ود شده از مشارا هه اطلاعاتی راجع به کبیته خوی یون بدست آورده عدالت و وفاداری خود وایه کبیته مزبور کتیه اعلام و یوسبله قاصدمخصوص به هینت مرگزی ارسال داشتند

از آتلیا بنا بهستادوس تشکیلات بطرف ایران حرکت کرده دو شهر موسول بنایه و روابط هسنا ای که بین دولت بریتانیا کبیه و ترکیه بوداز حرکت آتلیا جلو کبیه بسمل آمده ناچار معیده با هسوزی مر اجت کرده سلمی موسی بیله کبیه و سیرا و سیرا هسند پس از هسوزی و منزلت هسوزی اقلب وطن خوراان را بفران ایدی خود هادار نسوه رفیق راهش را هتیا

قابل توجه نمایندگان مجلس

جناب آقای دکتر اردلان خواهشمندم مراتب ذیل را جهت توجه کمیسیون دادگستری (قوانین) مجلس شورای ملی امر بدرج فرمایند.

مراجه ممکن است برای اجرای نظریات اشخاص و بنا به - تضادهای مقاماتی در زیر امانه حفظ مصالح ملی کشور: ۱- یا پاره پیش آمدها حکومت نظامی در بعضی نقاط مستقر گردد - به خلاف و یا جرمی که خیلی عادی باشد در حکومت نظامی مجازات آن برانطباق شدیدتر بوده ودر واقع به اعلان فرمانداری نظامی - یا - حیات وهستی و حیثیت انسانهای نامی داشته ولیکه بازی میکند - دولت همانطوریکه میخواند تیببات را در برخی مواقع اماند مجازات کثیر بدهد بایستی صلاح ملت را نیز منظور نظر ننویسد و تهدای دورغوا این خیلی شان را فراهم کند تا اینکه بهنضای زمان و احتیاجات بشری باوضع واحوال مردم تطبیق کند و در واقع قابل قبول دیای متدین امروز باشد

مثلا قانون مجازات و تشکیک دادگاه موقت حکومت نظامی مصوب ۱۳۲۹ نسوی برابر از قوانین و آیین نامه های وارده ایران که در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ شمسی بهتر مقیدتر است - آزانه دادگاههای که تمام کارکنان آن نظامی باشند عملیات تأییرات و دستورات حکومت واقع گردیده و از خود شیامت استعلائی ندارند بلکه حکومت نظامی یعنی قاضی و حاکم دادگاه قاضی و مستطقی و مدعی السوم مجری خواهند بود در واقع درست مفهوم مصالح را از آن باید استنباط کرد.

برای اینکه بتوانان تا یک اندازه باین تضایا سر و صورتی داد بهتر است موادی از قانون و آیین نامه ها را صلاح و املاش کنن قضات و دادباران غیر نظامی وزارت دادگستری را در جریانات معامکات مزبور دلیل نموده که بتوانند با استقلال با بدون اینکه فرمایش حکومت نظامی و خواهش اشخاص بتوانند در سرنوشت اشخاص اثر بی داشته باشد از حیث مردم دفاع کنند.

زیرا امروز دادگاه حکومت نظامی جز اجراء دستور و تأیید نظر آفرین جرم اشخاص اقدام دیگری توان انجام داد. اینکه خواهشمندم نظر فون را بصورت مشابه در آورده و از اجتماع صدق هر این فوق را استفسار فرمایند. زیرا نگارنده خود اگر گرفتاران این دام و این دادگاه بود و غریب ناظر اجرای اوامر حکومت و دم که چگونه با زیرس و دادستان در تمام مراحل معامکاتی نکته بکنه نظر حکومت نظامی را نامنبت کرده و بدون رعایت اصول قانون اساسی و متمم آن و قانون جرائی توقیف فرمایشی و داده گاه فرمایشی ظاهر نمیکرد و چگونه دادگاه بد اعراض دلایل برائت از صدور حکم عاجز بود بالاتر از همه دادگاه حدود اختیار و حدود صلاحیت رسیدگی میفرمازد نیز از لحاظ مدت قدمت ارتکاب رعایت تکلیف است.

عباس آزاد پور

محل اداره: خیابان پهلوی

روبروی کوچه مریمتخانه و زیری تلفن ۸۵۴۹

چاپخانه کشاورزی

تلفن ۴۷۸۷

« قضای رسیدگی »

مجلس شورای ملی که جناب آقای نصمت وزیر که جناب آقای وزیر دادگستری که جناب آقای وزیر جنگ که جناب آقای آصف که جناب آقای سمندهی که جناب آقای اردلان که جناب آقای حیدر عباسی نمایندگان مجلس که بر عهده کوهستان که عهده امروز که و هیر که آزادگان که مرد امروز.

بسیستم مرداد لشکر کردستان با ستاد دستونرساد ارتش حکومت نظامی زدم مرداد اعلام فرمانده ارتش نظامی و خود مدتی و اهدامات شروع - منجمله مام انتشار کوهستان شده بی طفت توفیق اول شهر بود با آقای عباس آزاد پور خرد شد تا آنکه ملتزم شود آن را چندان مقرر نکند تا خبرده با اهل بیستم متمم قانون اساسی دستور کمی تا مشا اینها به فرماندهان در صافی بدون مجوز و قراره شارالیه زمانی شبانه نیز درده مسامح به حاضره منزل کارنده بدون نماینده دادسرا با دادگستری تقش تیبیه منی اینکه به آرزوی خود رسیده همدیای تر مقادری استاد که ضمن آن ارواق بیاه در بود به ستاد لشکر منتقل صبح خورسرا مهر بسته را شکسته باز ارواق را تقش شبانه استادم نظر بخاند با عهده هنوز آتبارا پس نداده بهین ترتیب

استبداد حکم فرما آزادی سب متروحه در نظر سمندهی است - هر که حکومت نظامی قانونی است چگونه تصور نامه اطلاع نامه رسیده این که حکومت نظامی را لشکر و بیله و اغراض شخصی بوده بیست و حقوق مردم را باجمل مینایه متشی است توجه امر با ستاد نامبرده رعایتی نوری فرمایه قائل آزاد پور

کوهستان - این لشکرک راه دولاب ۲۴/۱/۶۶ و املاجات توقیف روز مذکور آن دستور ندها اگر بنا بر این خیزد داشت آقای آزاد پور ۲۶ دولاب میگردد مهمتا هنوز صحنه عادلانه گرفته نشده بهی است از فرما ده لشکر سابق و لایه ای اوصیان انتظار را میبایست داشت زیرا کسانی را که بدون مجوز قانونی چند ماه قبل از اعلام حکومت نظامی بی مجوز باز داشتند شمهانه هنوز بلا تکلیف در کج و دربان نالانته حال که دیگر مستسکی مانند برقراری حکومت نظامی بدست او داده شده البته بایه باخود خود حد اکثر کوشش را برای خرد کردن معاضات شرکارا برپای خود بنیاید از فرما ده لشکر سابق و لایه ای اوصیان درابر بعضی وود و شکایت سبه مردم رسیدگی نمود و بی عرضی و حسن نیت خود را دروا خدمت بسببک نشان دهمد.

اگهی

بانک ملی ایران برای اینکه تمام اهالی شهر بتوانند با سرعت و با احتیاط بانکی خود را انجام دهند علاوه بر شعبه مرکزی و شعبه بازار یازده بانجه در هرات مظفف شهر باز کرده است.

۱ - این بانجه ها هلیات ذیل را مانند بانک مرکزی انجام میدهند:

- ۱ - باز کردن حساب جاری
- ۲ - باز کردن حساب پس انداز
- ۳ - قبول برات عهده شهرستارها و تهران برای وصول
- ۴ - صدور حواله پسینی و لشکری عهده شعبه مار نمانده کبیا

بانک ملی ایران در یکصد و چهارده شهر ایران شعبه و نمایندگان دارد.

بانک ملی ایران که یک شبکه ملی ایرانی است کوشش میکند از هر حیث وضایت مشتریان محترم خود را جلب بنیاید و از این جهت از هموم آنها تنهی میکند چنانچه مختصر عدم رضایتی از عملیات بانک و با سلوک کارمندان آن داده داشته مراتب را فوراً برپسین شعبه و یا اداره با زوسی کل در اودامه کوری، خیابان فردوسی اطلاع دهند.

در تمام بانجه ها و شعبه ها و نمایندگان بانجه می توان حساب پس انداز باز کرد.

مستوف پس انداز علی دودر سال مصالح عهده ای برسم جایزه بین دارندگان حساب تقسیم نمایند.

ش ۱۴

۲-۲

پلی کلینیک تهران

پلی کلینیک تهران تحت نظر آقایان دکتر عبدالصغی اردلان - دکتر هوشنگ ظفر و دکتر مهاکبر جهاننهاد اداره میشود پلی کلینیک تهران دارای بخش های مختلفه پزشکی میباشد.

آدرس: تهران خیابان سوم استند